یادداشت

عملکرد دولت در سالی که گذشت

حسین کنعانی‌مقدم
فعال سیاسی اصولگرا

دولت آقای روحانی در عمل و در برخی از مسائل سیاست داخلی، روشی اعتدالی را در پیش گرفته بود. در دولت ایشان تلاش شد، تا دولت با جناح‌های سیاسی درگیر نشود و با توجه به استقلالی که رئیس جمهور در رای دارد، کار خود را دنبال کند. البته نوعی بی‌تفاوتی به سیاست داخلی نیز در رویکرد ایشان دیده می‌شود. دولت در اولویت خود به سیاست داخلی نپرداخته و بیش از هر چیز به مسائل مربوط به سیاست خارجی، خصوصا برجام پرداخته شد. این نوع نگاه تا حدی فرار رو به جلو بوده و به این دلیل که دولت در سیاست داخلی حرفی برای گفتن نداشت، بیش از هر چیز به دنبال آن بود که با مطرح کردن برجام، سیاست خارجی و مسائلی که در منطقه و جهان می گذرد، از کنار مسائل داخلی عبور کند. با توجه به مشکلات اقتصادی مردم، مطالبات عمومی انباشته شده و در حال تبدیل شدن به بحران است. دولت بدون توجه به عمل مسائل و معضلات از کنار آنها عبور می‌کند. رویکرد فعلی بر این پایه است که به جای حل کردن مسائل آنها را نادیده گرفته و از کنار آنها عبور کنند. شاهد این نوع نگاه، در دولت تدبیر و امید هستیم و نپرداختن به مسائل و مشکلات داخلی تا حدودی ما را در سال آینده با مشکلات جدی در اداره کشور روبه‌رو خواهد کرد. در رابطه با نحوه مواجهه دولت و رویکرد اتخاذ شده در مقابل احزاب، منتقدان و مخالفان باید گفت، با توجه به وجود بیماری کرونا عملا احزاب در مسائل داخلی غایب بودند. آن‌ها تجمعات خود را نداشتند یا جلسات آن‌ها به صورت منظم برگزار نمی‌شد. دولت نیز این نوع احزاب که می‌توان به آن‌ها احزاب چراغ خاموش گفت را از احزابی که می‌خواهند وارد صحنه شوند، بیشتر می‌پسندند. احزابی که می‌خواهند در تصمیم‌سازی‌ها شرکت کرده و دولت را مجبور به اتخاذ تدابیری کنند، مورد پسند دولت نبودند. منتقدان نیز عمدتا از سوی دولت نادیده گرفته شدند. اگر هم منتقدانی در این مدت زمانی دیده شدند، با نوعی هجمه لفظی پاسخ خود را گرفتند و جوابی در راستای پاسخگویی داده نشد. عملا منتقدان نیز به دلیل اینکه در سال پایانی دولت قرار داشتیم، تلاش کردند با شیب تندتری نسبت به دولت و مسائل مربوط به آن واکنش نشان بدهند. با این حال دولت هیچ نوع توجهی به آنها نکرد و عملا آنها را نادیده گرفت. علت نادیده گرفتن انتقادات از سوی دولت بیش از هر چیز به این علت بود که دولت پاسخی به انتقادات نداشت و تلاش می کرد بدون واکنش و به اصطلاح عامیانه چراغ خاموش از کنار آنها عبور کند. در نهایت و پیرامون ارزیابی نهایی عملکرد دولت در سال پایانی، دولت تدبیر و امید در مسائل داخلی سعی کرد مشکلات و مطالبات مطرح را نادیده گرفته و بدون پاسخ از کنار آنها عبور کند.

دریچه

صادق محصولی:

دنبال وفاق با دوستان انقلابی هستیم امانه به هر قیمتی

دبیرکل جبهه پایداری انقلاب اسلامی ضمن تشریح شاخص‌های مکتب امام خمینی عقلانیت، معنویت و عدالت بیان کرد: اگر در کار سیاسی عقلانیت داشته باشیم دچار تناقض نمی‌شویم. صادق محصولی گفت: برای مثال برخی در انتخابات مجلس می گفتند که باید وحدت داشته باشیم، از طرفی اصرار داشتند که اگر کسی وارد لیست پایداری شد، نمی‌تواند وارد لیست ما شود. وی با تاکید بر شاخص عدالت بیان کرد: عدالت مساله بسیار مهمی است. شاه کلید، عدالت است و اگر عدالت را ملاک قرار دهیم کارآمدی هم به دنبال آن می‌آید. شالوده هستی بر عدالت استوار است. وزیر کشور دولت دهم در خصوص رویکرد پایداری نسبت به وحدت با سایرین بیان کرد: برای انتخابات یک مدل طراحی کردیم که ۴ مرحله دارد. در این مدل، دورنمای ما برای انتخابات ۱۴۰۰ این است که حتی‌الامکان به یک وفاق و نقطه مشترک با دوستان انقلابی خود برسیم. البته این وفاق به هر قیمتی شکل نخواهد گرفت و اصول ما، خطوط قرمز ما هستند. حفظ اصول از واجبات است. محصولی ادامه داد: طبق این مدل، در مرحله اول بنا بر این است که حداقل یکدیگر را تخریب نکنیم، مرحله دوم این است که در رابطه با گفتمان، به‌طور مشترک کار کنیم و بر مبنای گفتمان، شاخص‌های مشترک تعریف کنیم. در مرحله سوم نیز برای مبنای شاخص‌های مشترک، به سمت حداکثری سازی اشتراکات لیست در انتخابات شورای شهر و نزدیک کردن سبد نامزدها در انتخابات ریاست جمهوری حرکت کنیم. مرحله آخر نیز رسیدن به لیست واحد و نامزد واحد است. وی بیان کرد: در خصوص تعیین مصداق اصلح در حال بررسی هستیم و تاکنون جلسات متعددی با افرادی که در مظان نامزدی هستند و افراد موثر، داشته‌ایم. با افرادی هم‌چون آقایان رئیسی، جلیلی، نیکزاد، فتاح، ضرغامی، رضایی و... جلسه داشته‌ایم. در خصوص آقای قالیباف، به نظر ما کسی که به تازگی رئیس مجلس شده بهتر است که برای ریاست جمهوری هم اقدام نکند. مردم اکنون به اقدام انقلابی در مجلس امید بسته‌اند و معطوف شدن ایشان به ریاست جمهوری این را زیر سوال می‌برد و مشکلاتی ایجاد می‌شود، البته این مطلب موضع ما قبل از انتخاب هیأت رئیسه مجلس هم بود. محصولی تاکید کرد: یکی از دلایلی که هنوز افراد مد نظر خود را برای انتخابات ۱۴۰۰ معرفی نکردیم این است که هنوز از نامزدی قطعی افراد برای انتخابات مطمئن نیستیم. دبیرکل جبهه پایداری در خصوص مصادیق مورد نظر پایداری برای انتخابات ۱۴۰۰ تشریح کرد: از الان نمی‌توانیم افراد را مشخص کنیم. در سال ۹۶ نیز در نظرسنجی‌های اولیه آرای آقای قالیباف را بیشتر از آقای رئیسی اعلام می‌کردند، البته این مطلب موضع ما قبل از انتخاب هیأت رئیسه مجلس هم بود. محصولی تاکید کرد: یکی از دلایلی که هنوز افراد مد نظر خود را برای انتخابات ۱۴۰۰ معرفی نکردیم این است که هنوز از نامزدی قطعی افراد برای انتخابات مطمئن نیستیم. دبیرکل جبهه پایداری در خصوص مصادیق مورد نظر پایداری برای انتخابات ۱۴۰۰ تشریح کرد: از الان نمی‌توانیم افراد را مشخص کنیم. در سال ۹۶ نیز در نظرسنجی‌های اولیه آرای آقای قالیباف را بیشتر از آقای رئیسی اعلام می‌کردند اما اتفاقاتی افتاد که آرای ایشان کمتر شد، شرایط می‌تواند بسیار سیال باشد. اصل برای ما حمایت از اصلح است. انتخاب شخص به شرایط نیز بستگی دارد اما این به معنای تحت تاثیر پروپاگاندا قرار گرفتن نیست، بلکه باید ببینیم در آن شرایط چه تکلیفی داریم. شرایط انتخابات ریاست جمهوری را نمی‌توان از الان با قطعیت مشخص کرد.

یوسف مولایی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

اروپا دنبال لغو تحریم‌هاست؛ برخلاف آمریکا

- اقتصاد دنیا تحت تاثیر آمریکاست
- اولویت آمریکا مساله ایران نیست
- دولت اختیاری در سیاست خارجی ندارد

آرمان ملی- محمدهادی علیمردانی: در روزهای اخیر صحبت‌هایی درباره عمل نکردن اروپا به تعهدات خود در قبال برجام به میان آمده است اما با وجود فشارهای آمریکا و تحریم‌های ثانوی این کشور، عملا امکان انجام مبادلات بانکی با ایران وجود ندارد. دولت بایدن نیز تحت تاثیر فشارهای ایران مبنی بر کاهش تعهدات برجامی قرار نگرفته است. این موضوع در کنار اختیارات ناچیز دولت در حوزه سیاست خارجی، اجازه نمی‌دهد تا دولت دوازدهم را در زمینه مشکلات موجود در روابط بین‌المللی مقصر بدانیم. در همین راستا «آرمان ملی» گفت‌وگویی با یوسف مولایی، کارشناس حقوق بین‌الملل داشت که در ادامه می‌خوانید.

در روزهای اخیر اظهار نظرهای بسیاری پیرامون عمل نکردن به تعهدات برجامی از سوی اروپایی‌ها مطرح شده است این مساله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

قرار بود اروپایی‌ها تمام تحریم‌ها را لغو کرده و با ایران وارد مناسبات عادی تجاری و اقتصادی شوند اما با توجه به تحریم‌های ثانویه آمریکا، با وجود همه تلاش‌هایی که از سمت آمریکایی‌ها انجام شد، موفق به عبور از سد تحریم‌ها نشدند. بنابراین با اینکه اروپایی‌ها خواست و اراده لازم را داشتند، دو بار تلاش کردند تا کانال مالی مخصوص ایران را راه‌اندازی کنند، حتی در خصوص معاملات نفتی میان ایران و اتحادیه اروپا مذاکراتی صورت گرفت و اراده سیاسی برای انجام تعهدات برجامی از خود نشان دادند، اما به دلیل فشارهای آمریکا و تحریم‌های ثانویه‌ای که از سوی این کشور برای شرکت‌های اروپایی طرف معامله ایران قرار داده می‌شد، نتوانستند راهی برای انجام تعهدات خود پیدا کنند. به همین سبب سخنانی که درباره عمل نکردن اروپایی‌ها به تعهداتشان مطرح می‌شود، درست بوده و اروپایی‌ها نیز با وجود اراده زیادی که داشتند، به دلیل فشارهای بسیاری که آمریکا به آنها وارد کرد، موفق به انجام تعهدات خود نشدند.

مصادیقی از تلاش اروپا برای انجام تعهداتش در قبال ایران وجود دارد؟

بنا بود کانال مالی راه اندازی شود، در حوزه اینستکس فعالیت‌هایی انجام شد تا خطی مالی برای ایران در نظر گرفته شود. بنا بود قانونی که قبلا در قبال تحریم‌های کوبا اجرا می‌شد تا از شرکت‌های داخلی خود حمایت کنند و تحریم‌های آمریکا را در داخل اروپا اجرا نکنند، برای ایران نیز در نظر گرفته شود. در سال گذشته اخبار متعددی از این دست منتشر شد و تمامی اقدامات اروپا به صورت مکتوب مخابره شده است. اروپا عملا نشان داد که به دنبال انجام اعمالی در راستای لغو تحریم‌ها است که شاید مهم‌ترین آن در نظر گرفتن کانال مالی ویژه برای مبادلات مالی با ایران بود اما تمامی این تلاش‌ها به سدهای محکمی برخورد کرد. علت عملی نشدن این تصمیمات آن بود که اقتصاد دنیا تا حد قابل قبولی تحت تاثیر قدرت مالی و عملیاتی آمریکا قرار دارد.

برجام تعهداتی را برای طرفین به همراه داشته است و به تبع باید در کنار این تعهدات ضمانت اجرایی نیز وجود داشته باشد. حالا که تعهدات اروپایی‌ها به هر دلیل عملی نشده است، آیا ایران توان پیگیری مطالبات خود در سطح بین‌المللی را دارد؟

نه! در برجام برای حل و فصل اختلافات مکانیسم ماشه در نظر گرفته شده و ایران باید همان مسیر را پیگیری کند. به اضافه اینکه ضمانت اجراها در برجام چندان به سود ایران قوت نداشت. ایران حداکثر می‌تواند تعهدات برجامی خود را مرحله به مرحله کاهش دهد. در صورت انجام همین اقدام نیز با اعتراض اعضای برجام مواجه می‌شود. لذا نمی‌توانیم به مرجعی خارج از محل اختلاف برجام، ماده ۳۶ و ۳۷، مراجعه کنیم.

با این حساب باید حرف اصول‌گرایان درباره کل معاهده برجام بر این مبنا که برجام معاهده خوبی نبود را بپذیریم؟

به هر حال برجام ایده‌آل نبود. البته برجام هم معاهده نشد، زیرا تشریفات حقوقی معاهده را طی نکرد اما ما می‌توانستیم در موازنه قدرت برای برجام بار حقوقی تعریف کنیم اما موازنه قدرت به نفع ایران نبود. ما تحت فشار تحریم‌ها بودیم و آمریکا آسوده از این موضوع، فشارهایی را به ما وارد می‌کرد. بنابراین ما در موضع برابر قدرت نبودیم که بتوانیم یک موازنه‌ای میان حقوق و تعهدات طرفین در برجام ایجاد کنیم. اصول‌گرا یا غیر اصول‌گرا خود ما نیز گفتیم که متن برجام کامل نیست و نقدهای بسیاری انجام گرفت اما اگر بخواهیم منصفانه برخورد کنیم، باید برگردیم و ببینیم که تا چه حد قدرت داشته‌ایم. آیا به اندازه واحد قدرتی که در اختیار شما بوده موفق به تنظیم سند شده یا کمتر از آن را پذیرفته‌اید؟ از نظر من ما تا حدی که قدرت داشتیم توانستیم به نسبت قدرت ایران، سند برجام را متوازن تعریف کنیم. زمانی که ۵+۱ ماده ۳۶ و ۳۷ یعنی مکانیسم ماشه را قرار دادند، مکانیزم ماشه به نفع ایران عمل نمی‌کرد. نفوذ آمریکایی‌ها در اقتصاد و تجارت جهانی بسیار بالاتر از ما است و اگر تمام دنیا یک کشور را تحریم کنند ولی آمریکا تحریم نکند، آن کشور می‌تواند به مناسبات مالی خود با دنیا ادامه دهد اما در نقطه مقابل اگر آمریکا کشوری را تحریم کند و همه کشورهای دنیا با آن روابط داشته باشند، کشور مورد بحث تحت فشار قرار می‌گیرد. قدرت اقتصادی و عملکردی آمریکا با هیچ کشوری در دنیا قابل مقایسه نیست.

فرمودید برجام معاهده نبود. لطفا علت این امر را بیشتر توضیح دهید. چرا برجام معاهده نبود؟

طبق حقوق بین‌الملل و کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۸، معاهده متنی است که تنظیم شده، در دبیرخانه سازمان ملل ثبت شده، کتبی باشد و تابع حقوق بین‌الملل باشد. برجام حتی امضا هم نشده و بخشی از قطعنامه ۲۲۳۱ شد. اگر معاهده بود، باید مجلس ایران و معمولا همه مجالس کشورهای طرف معاهده آن را مصوب می‌کردند و این شرط نیز محقق نشد.

اما مجلس ایران که برجام را امضا کرد.

مجلس ایران آن را به عنوان یک کنوانسیون یا معاهده امضا نکرد و تنها آن را تایید کرد.

چرا معاهده بودن برجام از سوی همه مجالس کشورهای مختلف تایید نشد و در کشورهای ۵+۱ به تصویب نرسید؟

آمریکایی‌ها در آن زمان با این امر موافق نبودند اما قوه مجریه نمی‌خواست دست و بال خود را ببندد و آن را به کنگره ببرد، زیرا امکان داشت مورد موافقت کنگره قرار نگیرد. زمان برای دولت وقت آمریکا اهمیت بالایی داشت. دولت اوباما می‌خواست برجام در زمان کوتاهی مورد موافقت قرار بگیرد، زیرا اگر روی دست اندازها قرار می‌گرفتند، ممکن بود کنگره آمریکا کار را سخت کند. سایر کشورها نیز همین ملاحظات را داشتند.

با توجه به شرایطی که پس از ریاست جمهوری بایدن حاکم شد، آیا می‌توان این امید را داشت که بازگشت به برجام انجام بگیرد یا مسأله ایران به طور کلی اولویت آمریکا نیست؟

تا جایی که اطلاع دارم، اولویت آمریکا ایران نیست اما چون بخشی از تیم سیاست خارجی، امنیتی و حتی اقتصادی دولت بایدن، همان تیم دولت اوباما هستند که در مذاکرات هسته‌ای بوده، و با موضوع هستند و علاقه‌مند به احیای آن هستند، امیدی وجود دارد. با این حال تا زمانی که مشکلاتی که پیش آمده، آمریکایی‌ها تعهدات خود را انجام نداده‌اند، از برجام خارج شده‌اند و سایر مسائل حل نشود، خست است که بگوییم برجام می‌تواند دوباره احیا شود. ایران به حق و از روی منطق می‌گوید آمریکا تعهدات خود را انجام نداده و به ایران نیز خسارت وارد شده است، باید آمریکا اول بیاید، تعهدات خود را اجرا کند، یعنی تحریم‌هایی که ترامپ مجددا در دستور کار قرار داد را لغو کند و پس از آن می‌تواند وارد برجام شود، در حالی که آمریکایی‌ها نیز در طرف مقابل شرط کرده‌اند که باید اول ایران تعهدات خود را انجام دهد و اقداماتی که در چند ماه گذشته بنا بر تاکید مصوبه مجلس انجام شد، مانند فعالیت‌های هسته‌ای خود را از نظر غنی‌سازی، ذخیره اورانیوم، فعال کردن نسل جدیدی از سانتریفیوژها و هم محدود کردن سیستم نظارت آژانس با به تعویق در آوردن پروتکل الحاقی، به تعهدات متن برجام بازگردد. لغو همه این اقدامات بخشی از مطالبات آمریکا است تا ایران به برجام بازگردد و پس از آن آمریکا نیز تعهدات خود را انجام دهد. به دلیل اختلافات بسیار میان دو طرف، نمی‌توان به این سادگی انتظار داشت که به نتیجه برسیم. دولت آقای روحانی تلاش خواهد کرد که مسیر را هموار کرده و فضای مناسبی برای احیای برجام به وجود بیاورد اما این امر به دلیل زمان‌بر بودن در دولت ایشان محقق نخواهد شد. اگر بخواهیم خوش‌بین باشیم، باید برای احیای برجام و رفع مشکلات سر راه آن بین ۶ ماه تا ۱ سال صبر کنیم.

چند ماهی نیز از تصویب قانون لغو تحریم‌ها از سوی مجلس می‌گذرد. اقدامات مجلس مبنی بر لغو پروتکل الحاقی و کاهش تعهدات برجامی ایران آیا تا کنون توانسته بازخوردهای مثبتی از سوی طرف آمریکایی به همراه داشته باشد یا ایران با انجام این اقدامات متضرر شده است؟

استراتژی ایران آن است که از ابزارهای موجود برای وارد کردن فشار به آمریکا ایجاد کند و اهرمی برای تحت فشار قرار دادن آنها در اختیار داشته باشد. این اهرم نیز برای وادار کردن آمریکا به انعطاف نشان دادن در مواضع خود است. این اقدام قطعا با مطالعه صورت گرفته و ممکن است در کوتاه مدت اثراتی داشته باشد. اروپایی‌ها نیز اقدام ایران را جدی گرفته اند و تا حدی بر سرعت دیپلماسی خود در متقاعد کردن افزودند اما تیم آقای بایدن به نحوی عمل می‌کند که به نوعی تحت تاثیر اهرم فشار ایران، یعنی مصوبه اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از حقوق ملت، قرار نگیرد. ایالات متحده نشان داده، تحت تاثیر این فشارها قرار ندارد.

آقای مولایی! ما در سال پایانی دولت تدبیر و امید قرار داریم و در سال آتی نیز دولت به طور کامل ایفای نقش نخواهد کرد. عملکرد و اقدامات دولت آقای روحانی در زمینه سیاست خارجی طی سال ۹۹ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پاسخ دادن به این سوال دشوار است، زیرا شما باید اختیارات دولت را دقیق و در چارچوب نظام سیاسی ما تعریف کنید و ببینید چند واحد اختیار برای دولت در سیاست خارجی وجود دارد. جدا از این نکته، فضای سیاسی که در چارچوب قانون اساسی وجود دارد، نیز باید مورد بررسی قرار بگیرد. از همین رو نمره دادن به دولت کار بسیار سختی است، زیرا ما مانند کشورهای توسعه‌یافته تفکیک قوا به مفهومی که کشورهای توسعه‌یافته اجرا می‌کنند، نداریم. به این صورت نیست که دولت توانایی و اختیار کامل را در سیاست خارجی داشته باشد. نهادهایی مانند شورایعالی امنیت ملی و سایر نهادها هستند که دولت باید با آنان همسو باشد، زیرا به صورت مستقل نمی‌تواند سیاست خارجی را طراحی کرده و به اجرا بگذارد. از همین رو نمی‌توان به عملکرد دولت که تحت تاثیر نهادهای مختلف وجود دارد، نمره داد.

مشابه نظر شما را مدتی پیش وزیر امور خارجه ایران نیز مطرح کردند و اختیارات خود در سیاست خارجی را صفر بیان کردند. به نظر شما این صحبت بیشتر متهم کردن خود دولت نیست؟ قانون اساسی حدود اختیاراتی را برای دولت‌ها تعریف کرده است. با وجود همه مشکلات موجود اختیاراتی به مسئولان دولتی داده شده است. ادعاهایی از این دست را نمی‌توان شانه خالی کردن از مسئولیت دانست؟

مردم آگاهی دارند و شرایط را رصد می‌کنند. به نوعی همه می‌دانند که اختیارات دولت در سیاست خارجی چندان وسیع نیست. اینگونه نیست که شما با ظرفیت توانمندی فردی و با رویکرد دیپلماتیک بتوانید مسائل سیاست خارجی را پیش ببرید. هرقدر هم که آقای ظریف به لحاظ فردی توانمند باشد، داخل سیستمی عمل می‌کند که در آن پیچیدگی‌های زیادی در اعمال اقدامات در پیشبرد اهدافی که بخشی از ماموریت‌های دولت است، وجود دارد. در چارچوب نظام سیاسی ایران، وضعیت اینگونه نیست.

اگر اجازه دهید به سوال خودم بازگردم و آن را به گونه دیگری مطرح کنم. اقدامات ایران در حوزه سیاست خارجی در سال ۹۹ را مثبت ارزیابی می‌کنید یا منفی؟

چیز خاصی به عنوان اقدام برجسته دستگاه دیپلماسی ایران در سال گذشته به خاطرم نمی‌رسد تا بیان کنم. در مسائل منطقه‌ای مشکلاتی داشتیم که هنوز داریم و راه حل آن نیز این نیست که دستگاه سیاست خارجی ما تحرک بیشتری برای حل این مشکلات داشته باشد. به صورتی که در کشور ما مسائل در دست اقدام قرار دارد، به دولت، دستگاه سیاست خارجی و وزیر امور خارجه ماموریت‌هایی داده شده و می‌توانند در چارچوب آن ماموریت‌ها عمل کنند. حداکثر، توانمندی آنها اجازه می‌دهد که آن ماموریت‌ها را بهتر عملیاتی کنند اما خودشان برای خود ماموریت تعیین نمی‌کنند. شاید سیاست داخل وزارت امور خارجه این باشد که بیشتر در سطح منطقه تنش‌زدایی کنیم یا در مورد سوریه و مسائل بیرونی به شیوه دیگری عمل کنیم اما در مورد همه این مسائل، وزارت امور خارجه و وزیر امور خارجه اختیارات چندانی ندارند تا بتوانند با ابتکار عمل و خلاقیت موضوع را پیش ببرند.

چراغ سبز ایران و آمریکا به دیپلماسی

ادامه از صفحه یک

تا وقتی این تابوها وجود دارند و طرفین در فضای تنش‌آلود و بی‌اعتمادی سیر کرده و نقش‌آفرینی می‌کنند، نمی‌توان از شرایط کنونی، عبور کرد و امیدی به احیای برجام و کاهش و مدیریت تنش‌ها میان ایران و آمریکا داشت. اقدامات انسان‌دوستانه را تسهیل‌بخش و روان‌کننده در کاهش تنش میان ایران و آمریکا برشمرد که می‌تواند چراغ سبز به دیپلماسی و گشایش‌ساز و راهگشا در مدیریت روابط تهران و واشنگتن محسوب شود. ایران و آمریکا نگاه متفاوتی به توافق هسته‌ای دارند. نگاه ایران به برجام، رفع تحریم و استفاده از مزایای اقتصادی آن است ولی نگاه آمریکا فراتر از برجام است. آنها می‌خواهند به بسته‌ای از توافقات با ایران برسند که الزاما مختص به مسائل هسته‌ای نیست. آمریکایی‌ها فکر می‌کردند که برجام پله‌ای برای توافقات بیشتر با ایران مخصوصا در مسائل منطقه‌ای می‌شود ولی این اتفاق رخ نداد. ضمن اینکه برنده اقتصادی برجام، نه آمریکا، بلکه چین، روسیه و اروپا بودند؛ بنابراین آمریکا فکر می‌کرد که در این توافق بازنده شده است، همانطور که ترامپ بارها به این مساله اشاره کرد و گفت که سر ایالات‌متحده کلاه گذاشته شده است. اینکه آمریکا و اروپا می‌گفتند با برجام مانع از دستیابی ایران به بمب هسته‌ای شدند، ادعاست. آنها از ابتدا می‌دانستند که ایران به دنبال بمب نیست و از طرفی عالی‌ترین مقام این کشور هم فتوای حرمت ساخت، انباشت و استفاده از تسلیحات کشتار جمعی را داده است. حتی اگر ترامپ رئیس‌جمهور نمی‌شد و فردی مانند هیلاری کلینتون نیز به مقام ریاست‌جمهوری ایالات‌متحده می‌رسید، در فضایی که آمریکا در استفاده از مزایای برجام محروم شده بود، بعید به نظر می‌رسد که به این توافق وفادار باقی می‌ماند و احتمالا از آن به بهانه‌ای خارج می‌شد یا آمریکایی‌ها نمی‌گذاشتند درست کار کند چون سودش به آنها نمی‌رسید. آمریکای بایدن اکنون با خود این فکر را می‌کند که اگر تحریم‌های ایران را بردارد، شرایط مانند سابق می‌شود و سودی عاید آمریکا نمی‌شود، بایدن درخواستی فراتر از خواسته‌های ترامپ از ایران ندارد. در واقع، او همان چیزی را از ایران طلب می‌کند که ترامپ نیز از ایران می‌خواست. حتی اگر ایران به صورت یکجانبه بازگشت به تمامی تعهداتش در برجام را کلید بزند، این کار شاید گشایش‌هایی را ایجاد کند اما این گشایش‌ها موقتی خواهد بود. آمریکایی‌ها برای اینکه به خواسته‌هایشان برسند، بهانه‌گیری کرده و چوب لای چرخ برجام گذاشته و چرخ برجام را متوقف خواهند کرد. به باور آمریکا برجامی که ایران، روسیه، چین و اروپا از آن منتفع شوند و آمریکا نفعی نداشته باشد، چه ارزشی خواهد داشت؟ اینجاست که ایران باید دقیقا مشخص کند امتیاز عمل به برجام برای بایدن چه خواهد بود؟ و چه اتفاقی پس از بازگشت به برجام خواهد افتاد که کنگره آمریکا پیشگام تعامل با ایران باشد تا تقابل.

فرارو

دبیرکل حزب موتلفه:

نامزد هم‌نظر با ولایت و دلسوز مردم معرفی می‌کنیم

دبیرکل حزب موتلفه اسلامی در اجلاس سراسری این حزب که با حضور دبیران استان‌ها و شهرستان‌ها و اعضای شورای استان‌ها و شهرستان‌ها به صورت مجازی برگزار شد، به بیان استراتژی و سیاست ابلاغی مؤتلفه در قالب شورای وحدت پرداخت و اظهار کرد: طرح اقدام استانی در هفت ماه گذشته با ائتلاف همه نیروها و رهبری معنوی روحانیت از سوی شورای وحدت انجام می‌شود. اسدا... بادامچیان با اشاره به عملکرد مؤتلفه در شورای وحدت درباره شوراهای شهر و روستا گفت: در بخش شورای وحدت با جامعه روحانیت مبارز مشغول فعالیت هستیم و تاکنون در ۲۵ استان نماینده مرتبط با روحانیت معرفی شده است. مقرر شد به فهرست اصلح به‌صورت ائتلافی و مستقل استانی برسیم و امیدواریم این رویداد رخ بدهد و نتیجه آن در فهرست مطلوب خود را نشان دهد. وی ضمن اظهار امیدواری در خصوص آماده شدن فهرست نامزدهای شورای شهر و روستا در زمان ثبت‌نام و قدردانی از معاونت‌های مربوطه افزود: مؤتلفه اسلامی در این دوره بیش از هر دوره دیگر فعالانه وارد عرصه شده است. دبیرکل مؤتلفه اسلامی همچنین تاکید کرد: پایتخت مداخله‌ای در امور انتخابات شوراهای شهر سایر استان‌ها ندارد. بادامچیان با اشاره به نظرسنجی‌های مختلف در خصوص شخصیت‌های ریاست جمهوری ادامه داد: وضعیت موجود روشن است، آیتا... رئیسی مطابق نظرسنجی‌ها بیشترین توجه را به خود اختصاص داده و هنوز ایشان اعلام حضور نکرده است، مؤتلفه در صورت حضور ایشان تصمیم خواهد گرفت و تصمیم نهایی بر اساس نظر شورای مرکزی مبتنی است. وی سیاست کلی مؤتلفه و شورای وحدت را احترام به تمام نامزدها برشمرد و اظهار کرد: تخریب و برخورد با رقبا و شخصیت‌ها را قبول نداشته و منفی می‌دانیم و به سمت نامزدی گرایش خواهیم داشت که با پشتوانه قوی بتواند مشکلات را حل کرده و درعین حال ساده‌زیست و پاک دست باشد. عضو شورای عالی شورای وحدت تصریح کرد: با عدم مخالفت شورای وحدت و شورای مرکزی و اعضا نظر بر این شد که در حزب در چند نظرخواهی به سمت فرد برویم. دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی به جریان شناسی این حزب در انقلاب پرداخت و بیان کرد: پس از انقلاب اسلامی افراد و جریان‌هایی درصدد حذف مؤتلفه اسلامی و کمرنگ کردن آن برآمدند و حتی در همین روزها برخی از مجموعه‌های اصولگرا مواضعی که اتفاقا با مواضع آنها همسو است سانسور می‌کنند. بادامچیان افزود: افرادی بدون سابقه فعالیت سیاسی به‌صرف فعالیت نظامی و یا فعالیت تبلیغاتی مورد توجه قرار می‌گیرند اما نسبت به مؤتلفه برخی از دوستان مدعی می‌شوند که کاندیداهای حزب ما توانمند نیستند این در حالی است که پرسابقه‌ترین چهره‌های سیاسی در مؤتلفه با قیدهای رجل سیاسی و مذهبی وجود دارد. وی گفت: بحث حکمرانی خوب و حکومت توسط ما تدوین شده و اندیشه و فعالیت حزب در این حوزه می‌تواند راهگشا باشد. عضو شورای وحدت تصریح کرد: مؤتلفه نیروی عظیم امانت امام است و تشکیلات منسجمی است که در حوزه‌های مختلف گسترده شده است و به همین علت ما می‌خواهیم در این دوره بنا به مصوبه شورای مرکزی نامزد داشته باشیم و فردی را معرفی خواهیم کرد که توانمندی اداره دوره دوم انقلاب و تحقق بیانیه گام دوم را مطابق با آهنگ ولایت‌فقیه داشته باشد. بادامچیان زاویه‌دار شدن افراد مختلف در دوره خدمت خود با خط رهبری را دفعی ندانست و عنوان کرد: این فاصله یکباره صورت نگرفت، بلکه از قبل وجود داشته و خود را در دوره خدمت نشان داد. اما در مؤتلفه هرگز فاصله وجود نداشته است و همواره آنچه ولایت خواسته‌اند محقق شده است. دبیرکل حزب موتلفه اسلامی تصریح کرد: سیاست امروز ما برای انتخابات ریاست جمهوری معرفی نامزد هماهنگ و هم‌نظر با ولایت و دلسوز مردم است و برای انتخابات شوراها هم حرکت به سمت شکل‌گیری شورای خوب برای گام دوم انقلاب است.

سخن روز

کاش غربی‌ها پیام ظریف را درک کنند

ادامه از صفحه یک

قانونی که مجلس گذرانده، فارغ از اینکه به مصلحت هست یا نیست، به عنوان یک دیپلمات کارکشته و یک مذاکره‌گر قَدَر اذعان می‌کند که تا زمان پایان کار دولت روحانی که طرفین زبان مذاکره با هم را می‌دانند، فرصت باقی است. گروهی که ۲۲ ماه با هم گفت‌وگو کردند و ادبیات مشترکی دارند چنانچه در این مدت به نتیجه برسند که رسیده‌اند چون فهم زبان سیاسی در طرفین آسان است، نتیجه محتمل است ولی اگر نرسند در ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ انتخابات برگزار می‌شود و رئیس جمهور جدید انتخاب می‌شود که قطعا نه از اعتدالیون و نه از اصلاح‌طلبان است و یکی از اصولگرایان و چه بسا از شاخه تندروی آنهاست، در این صورت امکان مذاکره دیگر میسر نیست. به زعم من تا ۲۸ خرداد امکان مذاکره هست، نه تا ۱۴ مرداد که دولت بعدی سر کار می‌آید. از طرفی قانون مجلس را داریم که مهم است یعنی عواملی که می‌تواند سطح تنش را به مرحله بالاتری برساند. یعنی خروج ایران از ان‌پی‌تی، اخراج بازرسان، قطع شدن دوربین‌ها و عملا سرعت بخشیدن به غنی‌سازی. و از طرف دیگر غیر از آمریکا و گروه ۵+۱ جهان با موضوع دیگری به نام انتخابات در اسرائیل مواجه است که ظرف ماه‌های آینده به وقوع می‌پیوندد. در انتخاباتی که رقیب نتانیاهو در دور قبل توانست رای خوبی کسب کند و شریک دولت شد تا هر کدام دو سال اداره دولت را برعهده بگیرند. در این‌صورت با توجه به موضع ایران، موضع نتانیاهو قوی شده و می‌تواند به تنهایی بدون نیاز به آبی‌ها کابینه خود را تشکیل دهد و چنانچه احساس کند گروه ۵+۱ نتوانستند در مذاکره با ایران به نتیجه برسند و ایران هم دارد قانون مجلس را پیاده می‌کند، سطح تنش در منطقه قرمز خواهد شد و هر آن ممکن است منطقه خاورمیانه دچار بحرانی شود. اگر خدای ناکرده آتش جنگی در منطقه روشن شود، دیگر امکان شلیک اولیه ممکن است به دست یکی از طرفین باشد ولی غلاف شدن شمشیرها دیگر دست هیچ‌کدام از طرفین نیست. لذا دکتر ظریف دارد با زبان دیپلماتیک این وضعیت قرمز را ترسیم می‌کند و به صراحت اعلام می‌کند اگر با ما مذاکره نکنید و طرف مذاکره شما پشت میز ما نباشید، با گروه بعدی قطع یقین زبان مشترک ندارید، نمی‌توانید مذاکره را پیش ببرید و آینده برجام که با آینده منطقه گره خورده، دچار وضعیت مبهمی خواهد شد. همه آرزو می‌کنیم که پیام دکتر ظریف را غربی‌ها دریافت کنند!